

Original Article

Investigating the Quality of Correcting and Rehabilitating the Criminals According to the Citizenship Rights' Teachings in Incarceration Alternatives in the Laws of Iran and England

Ali Ahmadi¹, Karam Janipour^{2*}, Ali Janipour³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

2. Assistant Professor, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author)

Email: k.janipour.1349@gmail.com

3. Assistant Professor, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

Received: 13 Feb 2020 Accepted: 20 Dec 2020

Abstract

Background and Aim: Crime is a behavior consisted of either doing or not doing of an action that is against the social order, on the one hand, and exposes the society to risks and damages, on the other hand, for its disruption of the social order. As an alternative to imprisonment, decarceration has always been amongst the principles related to citizenship rights taken into accounts also in the religious texts. The present study aims at the study of two legal systems, i.e. Iran and England's, for the investigation of the incarceration-replaceable penalties and alternatives for the foresaid legal systems represent the Roman-German and Common Law systems, respectively.

Materials and Methods: The study has been conducted based on documentary and library research method through the use of note-taking.

Findings: Nowadays, no jurist can deny the accomplishments of the comparative laws that support the citizenship rights. In order to exploit the positive experiences of the other countries regarding the veneration of the citizens' social and individual rights and freedoms, England's legal system has been chosen for comparison with Iran's for the enforcement of the incarceration-replaceable penalties is done under certain conditions as ruled in the laws of this country.

Conclusion: In sum, Iran and England's legal systems differ a lot concerning the incarceration alternatives. Apart from the existence of numerous stages that can relieve the criminal from incarceration before the court's trial of the crime, it is necessary in the law system of England for the discounting and suspending factors to be enforced in the best possible way to the maximum possible extent in such a way that even passing a job-learning course in the adolescents' correction centers with a high discipline score can exempt a robber from imprisonment. It can be vividly understood that the observance of the citizens' rights has been the focal point of England's laws and that their rights and freedoms matter even when in prison. Considering the fact that England's jurists have succeeded in enacting the regulations of incarceration alternatives earlier than Iran, they have more information and more experiences in contrast to the Iranian jurists regarding the extent to which each of the penalties might be effective.

Keywords: Correction and Rehabilitation; Incarceration Alternatives; Citizenship Rights; Individual and Social Rights; Decarceration; Treatment; Resocialization

Please cite this article as: Ahmadi A, Janipour K, Janipour A. Investigating the Quality of Correcting and Rehabilitating the Criminals According to the Citizenship Rights' Teachings in Incarceration Alternatives in the Laws of Iran and England. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 379-394.*

بررسی چگونگی اصلاح و بازپروری مجرمان با عنایت به آموزه‌های حقوق شهروندی در نهادهای جایگزین حبس در حقوق ایران و انگلستان

علی احمدی^۱، کرم جانی‌پور^{۲*}، علی جانی‌پور^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران، (نویسنده مسؤول) Email: K.janipour.1349@gmail.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: جرم مبتنی بر رفتاری اعم از فعل و ترک فعل است که از یکسو برخلاف نظم اجتماعی بوده و از سوی دیگر با توجه به این‌که این پدیده جنایی باعث ایجاد اخلال در نظم اجتماعی است و جامعه همواره به سبب آن در معرض خطر و آسیب می‌باشد. حبس‌زدایی که به روش جایگزین حبس صورت می‌پذیرد، همواره جزء اصول مرتبط با حقوق شهروندی که در متون دینی نیز به آن توجه شده است، می‌باشد و هدف ما در این پژوهش مطالعه دو نظام حقوقی ایران و انگلیس در جهت بررسی کیفرهای جایگزین حبس است که نماینده دو نظام حقوق رومی ژرمنی و کامن‌لا می‌باشند.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این مقاله به صورت استنادی و کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری صورت پذیرفته است.

یافته‌ها: امروزه هیچ حقوقدانی نمی‌تواند دستاوردهای حقوق تطبیقی را که در حمایت از حقوق شهروندی می‌باشد، انکار نماید. جهت بهره‌برداری از تجارب مثبت سایر کشورها در خصوص احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان، نظام حقوقی کشور انگلستان به عنوان سیستم مورد مقایسه انتخاب شده است، زیرا در قوانین این کشور، اعمال کیفر جایگزین حبس دارای شروط خاص می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در مجموع سیستم حقوقی انگلیس با ایران در خصوص کیفر جایگزین حبس اختلافات زیادی دارد. در سیستم حقوقی انگلستان، جدای از وجود مراحل متعددی که قبل از رسیدگی دادگاه به جرم، می‌تواند مجرم را از حبس رهایی بخشد، دادگاه هم لازم است تا حد امکان عوامل مخففه و تعلیقی را به نحو احسن اعمال نماید تا جایی که حتی گذراندن یک دوره کار در کانون‌های اصلاح نوجوانان با نمرات انضباطی بالا هم می‌تواند مجرم به سرقت را از حبس معاف نماید. به وضوح می‌توان دریافت که در حقوق انگلیس رعایت حقوق شهروندان مورد عنایت واقع شده و حقوق و آزادی‌های آنان حتی در زندان نیز مورد توجه باشد. حقوقدانان کشور انگلیس با توجه به این‌که زودتر از کشور ایران به وضع قوانین کیفرهای جایگزین حبس دست یافته‌اند، در رابطه با میزان اثربخشی هر یک از کیفرها نسبت به حقوقدانان ایرانی از اطلاعات و تجربیات بیشتری برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: اصلاح و بازپروری؛ جایگزین‌های حبس؛ حقوق شهروندی؛ حقوق فردی و اجتماعی؛ حبس‌زدایی؛ درمان؛ بازاجتماعی شدن

مقدمه

پدیده جرم و ارتکاب آن از سوی مرتکب آن به عنوان مطالعات جامعه‌شناسان و روان‌شناسان از دیدگاه جرم‌شناختی بوده و محققان این علوم در پی یافتن ریشه‌های ارتکاب جرم نظریات مختلفی ابراز داشته‌اند. با این حال صرف ریشه‌یابی و مطالعات نظری مطلوب به فایده نبوده و حقوقدانان در جهت یافتن کیفر مناسبی که مانع از تکرار جرم توسط مجرم و نیز ارتکاب آن توسط دیگران باشد، راه حل‌های متنوعی ارائه داده‌اند. ایران یکی از کشورهای است که با مشکل تورم جمعیت کیفری زندان‌ها رو به رو است و جمعیت زندانیان با توجه به فضای موجود در زندان‌ها بسیار زیاد است، اما «طبق پژوهش مجلس شورای اسلامی: در حقوق کیفری ایران، حدود ۱۴۰۰ عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد آن، حبس پیش‌بینی شده است و در نتیجه در هر ۵۴ ثانیه یک نفر به زندان می‌رود و زندان‌های کشور ۴ تا ۶ برابر ظرفیت واقعی، در خود جای داده‌اند که در این خصوص با تأسی از یافته‌های حقوق شهروندی و در راستای حبس‌زدایی صورت پذیرفته است» که تا حدودی حقوق و آزادی‌های زندانیان را مورد توجه قرار داده است، در انگلستان نیز پیدایش اولین زندان به شکل امروزی، به قرن شانزدهم میلادی برمی‌گردد. در سال ۱۵۵۷ در لندن قصر متروکی به نام بریدول برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت. در این زندان کار الزامی و روش‌های تربیتی نیز در مورد محکومین اجرا می‌گردید. سپس در سال ۱۷۹۷ در انگلستان اولین زندان انفرادی افتتاح شد، چراکه هر یک از کیفرهای جایگزین به صورت توأمان دارای اهداف نظارتی و اصلاحی می‌باشند، جایگزین از برخی جهات شبیه به حبس بوده و به طور کامل جایگزین محسوب نمی‌شوند، مثل کیفر حبس خانگی یا اجبار به اقامت در محل معین و برخی دیگر از کیفرهای جایگزین، تفاوت‌های کلی با حبس داشته و صرفاً از حیث شدت و وخامت همسان با حبس می‌باشند. امروزه استفاده از جایگزین‌های حبس در راستای حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی در دستور کار قوه قضاییه قرار گرفته و قانونگذار ایرانی تقریباً ۵٪ از مواد کتاب ق. م. ا (۱۳۹۲ ش.) را به این دست از کیفرها اختصاص داده

است. در این مقاله در پی شناخت و معرفی کیفرهای جایگزین حبس، اصلاح و بازپروری مجرمان در نهادهای جایگزین حبس در ایران و انگلیس هستیم. سؤالاتی که ما در این مقاله با آن‌ها مواجهه هستیم، به این شرح است که: در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چه مکانیزم‌ها و موانعی برای اجرای مجازات‌های جایگزین حبس وجود دارد؟ و رویکرد نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اجرای مجازات‌های جایگزین حبس چگونه است؟ ضمانت عدم اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و آثار آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ موانعی همچون نبود زیرساخت‌ها در زمینه اجرای مجازات جایگزین حبس و عدم استفاده قضات از مجازات جایگزین حبس، از جمله موانع مجازات جایگزین حبس می‌باشند. رویکرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اجرای مجازات‌های جایگزین حبس به سمت حمایت از استفاده از مجازات جایگزین و عدول از حبس تغییر یافته است. به نظر می‌رسد ضمانت اجرای عدم اجرای مجازات جایگزین حبس اجرای مجازات حبس می‌باشد. هدف ما در این مقاله بررسی چالش‌ها و موانع در اجرای مجازات‌های جایگزین و ارائه راهکارهای مؤثر در زمینه کاربرد و کارایی این نوع مجازات‌ها در نظام کیفری می‌باشد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

بر اساس اطلاعات موجود امروزه بیش از ۹ میلیون زندانی در سراسر جهان وجود دارد و این تعداد در حال افزایش است. واقعیت این است که تعداد روزافزون زندانی‌ها اغلب به ازدحام جمعیت در زندان‌ها منجر می‌شود و شرایطی را در زندان‌ها به وجود می‌آورد که استانداردهای رفتار محترمانه با زندانی‌ها و حقوق بشر را نقض می‌کند. با نگاهی به تاریخچه به وجود آمدن مجازات حبس و موارد به کارگیری آن به وضوح می‌توان دریافت که حبس از آن دسته مجازات‌هایی است که از زمان‌های قدیم تا به امروز به شکل‌های مختلفی اجرا می‌شود که در این سیر علی‌رغم توسعه، موارد به کارگیری آن شاهد تغییرات و تحولاتی در اوضاع و شرایط استفاده از آن در کشورهای مختلف دنیا هستیم. سیاست جنایی سازمان ملل

متحد و نظام‌های حقوقی پیشرفته معاصر با الهام از دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی و کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری بر این اساس استوار است که استفاده از زندان به عنوان آخرین حربه برای مقابله با مجرمان خطرناک و توسل به مجازات اجتماعی جایگزین در سطح گسترده، نه تنها امنیت جامعه را تضمین می‌نماید، بلکه ضمن رعایت الزامات ناظر بر حقوق بشر و کرامت انسانی، هزینه‌های عدالت کیفری را به گونه چشم‌گیری کاهش می‌دهد. سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران نیز درحال حاضر به این جنبش اصلاحی درمانی پیوسته است، اما در مقام تقنین و قضا خروجی آرای دادگاه‌ها مبین این مهم بوده که موانع تقنینی بی‌شمار از یک طرف و ناکارآمدی آیین‌نامه اجرایی جایگزین‌ها و عدم فرهنگ‌سازی مناسب در بستر جامعه سبب عدم اعمال جایگزین‌های اجتماعی محاکم گردیده است.

پیشینه تحقیق

خاکسار و غلامی و موذن‌زادگان (۱۳۹۵ ش.) در کنفرانس جهانی «روان‌شناسی علوم تربیتی، حقوق علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم» در مقاله‌ای به بررسی آسیب شناسی تقنینی و قضایی مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته‌اند و بیان می‌کنند که گرایش قانونگذار به سمت یافته‌های نوین جرم‌شناسی و کیفرشناسی زمانی ارزشمند و والا می‌باشد که پیامدهای قضایی و اجرایی آن در آرای دادگاه‌ها تجلی و متبلور گردد که این امر حاکی از اعمال مجازات‌های جایگزین حبس با نگرش بر فلسفه وجودی آن، یعنی اصلاح و درمان مجرمین، فردی کردن مجازات‌ها، پیشگیری از تکرار جرم، کاهش جمعیت کیفری زندان و حبس زدایی می‌باشد که با کمال تأسف نتایج حاصله بیانگر این مهم می‌باشد که به لحاظ موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلأها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس و همچنین ناکارآمدی آیین‌نامه اجرایی آن و فقدان بستر فرهنگی مناسب در جهت تغییر نگرش کیفرگرایی و سزادهی صرف به سمت جایگزین‌های اجتماعی سبب گردیده که قضات

هیچ‌گونه رغبتی به اعمال جایگزین‌های نوین حبس از خود نشان ندهند.

فتاحی زفرقندی (۱۳۹۵ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان به بعضی انواع جایگزینی مجازات حبس در کشورهای مختلف اشاره می‌کند. در این تحقیق آورده شده ماده ۴۷ قانون جدید جزای آلمان باتوجه به شرط «تقدیم جزای نقدی» این کیفر را جانشین مجازات‌های زندان کمتر از شش ماه کرده است، البته این قانون در صورتی اجرا می‌شود که به علت وجود شرایط خاص در عمل مجرمانه و یا شخصیت مجرم توجیه‌پذیر باشد. در آلمان کسانی که از پرداخت جزای نقدی امتناع می‌کنند، از سوی دادگاه به انجام کار عام‌المنفعه محکوم می‌شوند؛ ۲۴۰ ساعت کار مجانی برای جامعه، همچنین نظام عدالت کیفری فرانسه، دارای مقررات پیشرفته‌ای در زمینه جایگزین‌های مجازات زندان و از جمله کار عام‌المنفعه است. کار عام‌المنفعه در فرانسه، برای نخستین بار به موجب یکی از قوانین مصوب مجلس و به اتفاق آرای تمام احزاب سیاسی، در دهم ژوئن ۱۹۸۳ معرفی شد. کشور فرانسه در استفاده از جایگزین‌های زندان، تجربه‌های موفقی داشته است. در این کشور، راهکارهای مختلفی به عنوان جایگزین‌های کیفر زندان پیش‌بینی شده است.

شاکری و حیدری (۱۳۹۶ ش.) در پژوهش خود «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران» را مورد بررسی قرار داده‌اند و این‌گونه بیان می‌کنند که از آنجا که سیاست جنایی تقنینی در ایران با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرایی کارآمدتر مجازات حبس در دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده در قوانین و مقررات از جمله اصلاح و درمان بزه‌کاران ناموفق بوده است، تلاش‌هایی به منظور تحدید «نه حذف کامل» موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات در چارچوب برنامه‌های مجازات جایگزین حبس صورت گرفته است.

مهدوی‌پور، دارابی‌پناه و شهرانی کرانی (۱۳۹۷ ش.) در پژوهش خود با عنوان «بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر

دیدگاه زندانیان» به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس سبب خواهد شد که زندانیان مبتدی اتفاقی وارد زندان نشوند و در کنار مجرم حرفه‌ای قرار نگیرند. در برخی از مجازات‌های جایگزین که به عنوان مجازات‌های تبدیلی معروف هستند، مجازات زندان به طور کامل حذف می‌شود و فرد به جای رفتن به زندان یا جریمه نقدی می‌پردازد یا آنکه در اجتماع به انجام خدمات اجتماعی می‌پردازد که در این صورت در محیط بسته زندان در معرض یادگیری و تقلید قرار نخواهند گرفت.

مقایسه یافته‌ها با یافته‌های قبلی مشابه

با عنایت به تطبیقی‌بودن موضوع در مقایسه با حقوق انگلستان، یافته‌های تحقیق در قیاس با یافته‌های قبلی حاکی از این است که این تحقیق به صورت جامع و کامل نواقص موجود در مقالات قبلی را پوشش داده و در خصوص چگونگی اصلاح و بازپروری مجرمین با توجه به آموزه‌های حقوق شهروندی در نهادهای جایگزین حبس در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان نوآوری نیز داشته است.

محدودیت‌های پژوهش

با عنایت به این‌که این موضوع به صورت تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس مورد مطالعه قرار گرفته است، دسترسی به منابع لاتین از جمله محدودیت‌های این تحقیق می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی، وبه روش استنادی، با فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

کیفرهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو حفظ حقوق شهروندی

کیفرهای جایگزین حبس که به صورت مصداقی در ذیل مورد بررسی قرار خواهیم داد، به نوعی نظام حقوق کیفری ایران با پیش‌بینی سیاست تقنینی و قضایی سعی در حفظ کرامت انسانی زندانیان و اهمیت‌بخشیدن به حقوق شهروندی

آنان داشته است که به جای این‌که کیفر حبس خود را در زندان باشند و از خانواده و اجتماع به دور باشند با بهره‌مندی از کیفر جایگزین حبس و ضمن احترام به حقوق و حق آزادی آنان که در منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ مورد اشاره قرار گرفته است، قسمتی از کیفر خود را با اشکال ذیل در بین دیگر شهروندان به سر می‌برند و در نوعی از مجازات جایگزین دیگر شهروندان نیز از وجود آن‌ها انتفاع می‌برند، چون کیفر فرضاً به صورت خدمات عام‌المنفعه هست، برای دیگر شهروندان نیز سودمند خواهد بود.

اقدام قانونگذار در پیش‌بینی کیفرهای جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بیان قواعد و مقررات آن (مواد ۶۴ الی ۸۷) نقطه عطفی در نظام تقنینی ایران محسوب می‌گردد که در راستای یافته‌های منشور حقوق شهروندی می‌باشد که باید در تمام مراحل دادرسی کیفری، چه در ایام حبس رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون، احترام به آزادی‌های مشروط و حفظ حقوق شهروندی در اولویت دادرسی کیفری و قضایی قرار داشته باشد، در همین خصوص تلاش‌های گسترده‌ای صورت پذیرفته است، در قوانین کیفری سابق به هنگام جرم‌انگاری تنها به ذکر کیفر اکتفا می‌کردند و ضابطه‌ای در مورد تعیین کیفرها مقرر نمی‌نمودند، رویه قانون مجازات اسلامی در خصوص تصریح ضابطه‌ای برای کیفر مانند سابق نیست و این ضوابط هم در لایحه کیفرهای اجتماعی جایگزین زندان و هم در کیفرهای جایگزین حبس در قانون سال ۱۳۹۲ صراحتاً ذکر شده‌اند. شرایط مذکور در ماده ۶۴ را می‌توان به طور کلی از ۱۲ شرط به سه شرط منحصر نمود: ۱- گذشت شاکی؛ ۲- وجود جهات تخفیف؛ ۳- سایر اوضاع و احوال. در واقع با این سه شرط شرایط دیگری نیز هستند و قانونگذار ذکر عام پس از خاص کرده است، یعنی ابتدا مصداق را بیان کرده و سپس عنوان عام قابل اطلاق بر تمام مصداق را با عبارت «سایر اوضاع و احوال» آورده است که در اینجا به تشریح این سه شرط می‌پردازیم:

۱- گذشت شاکی

برای اعلام گذشت شاکی تشریفات خاصی تعیین نشده است، نکته مهمی که در خصوص ضرورت گذشت شاکی به

عنوان یکی از شرایط اعمال کیفرهای جایگزین حبس وجود دارد، این است که این اعلام گذشت مخصوص جرائم غیر قابل گذشت می‌باشد و از آنجا که با گذشت شاکی امکان اجرای این کیفرها وجود دارد، نشانگر این موضوع است که گذشت شاکی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت صرفاً می‌تواند در تعیین نوع و میزان کیفر و چگونگی اجرای آن تأثیرگذار باشد و گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت منجر به حبس صدور قرار موقوفی تعقیب و مختومه‌شدن پرونده می‌گردد، لذا اعمال کیفرهای جایگزین در مورد جرائم قابل گذشت معنی و مفهومی ندارد (۱).

۲- وجود جهات تخفیف

یکی از شروط کیفرهای جایگزین حبس، ضرورت وجود جهات تخفیف می‌باشد که در ماده ۶۴ قانون کیفراسلامی مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است. جهات تخفیف در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است که عبارت از هشت جهت می‌باشد و بر اساس بند ۱ ماده مذکور یکی از جهات تخفیف گذشت شاکی یا مدعی خصوصی است، در حالی که قانونگذار در ماده ۶۴ این قانون این دو اصطلاح «گذشت شاکی» و «وجود جهات تخفیف» را به طور جداگانه عنوان نموده، لذا با توجه به حرف «و» میان این دو عبارت باید جهاتی غیر از گذشت شاکی برای اعمال کیفرهای جایگزین حبس وجود داشته باشد. قانونگذار ما با وجود یکسری کیفرهای جایگزین در قانون مجازات اسلامی و اعمال آن در جامعه، با حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق آزادی فردی و اجتماعی شهروندان به این نتیجه می‌رسد که وجود کیفرهای جایگزین اثربخش بوده و سودمند است و می‌تواند از طرفی از مضرات کیفر حبس بکاهد و از طرفی یک سری منافع هم برای دولت داشته باشد، لذا در تهیه قانون جدید مجازات اسلامی دست به سازماندهی کیفرهای جایگزین زده و یک فصل از بخش کلیات را به این موضوع اختصاص داده است، البته جایگزین‌های نوین از دید برخی حقوقدانان عبارتند از:

- تعویق تعقیب.

- میانجی‌گری.

- تعلیق مراقبتی فشرده.

- کار عام‌المنفعه.
- جزای نقدی روزانه.
- زندان خانگی.
- پادگان‌های آموزشی - اصلاحی.
- نظارت الکترونیکی.
- درمان (۲).

کارکرد اصلاح و درمان خدمات عام‌المنفعه

«کیفر خدمات عام‌المنفعه از یکسو، به بزه‌کاران امکان می‌دهد تا کیفرشان را با ارائه خدمات عمومی تحمل کنند و از سویی دیگر، به اجتماع امکان می‌دهد که با پذیرش مشارکت بزه‌کار در انجام خدمات اجتماعی، به توان بخشی اجتماعی مجرم یاری رساند و این یک احترام به حقوق شهروندی به صورت دوسویه هست که هم به زندانی به عنوان یک شهروند مساعدت می‌گردد که در اجتماع باشد و هم به دیگر شهروندان، در راستای احترام به حقوق آن‌ها این عمل صورت می‌پذیرد. همان‌گونه که می‌دانیم هزینه‌های زندان تا حدودی از طریق مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم شهروندان اداره می‌شود و به نحوی اگر خدمات عام‌المنفعه صورت بپذیرد، حقوق سایر شهروندان نیز رعایت گشته است، چون آن‌ها از خدمات شخص زندانی که فرضاً کمک به زیبا سازی یا پاکسازی شهر می‌نماید، بهره‌مند می‌گردند. در این زمینه پژوهشی در ایران انجام شده که مؤید اثربخشی این کیفر می‌باشد. این پژوهش حاکی از آن است که ۹۳٪ محکومان به کیفرهای جایگزین از جمله خدمات عام‌المنفعه، در مقایسه با محکومان به کیفر حبس، پس از اجرای حکم نسبت به کار خلاف خود احساس پشیمانی کرده‌اند یا درصد بالایی از محکومان به این کیفرها، برای دوره بعد از محکومیت خود برنامه‌ریزی کرده‌اند یا اغلب آن‌ها معتقدند که پس از پایان محکومیت خود، توسط دیگران و والدین پذیرفته خواهند شد یا عده کثیری از آنان اعلام کرده‌اند که پس از دوره محکومیت خود به صورت فعال به دنبال کار یا تحصیل خواهند رفت استفاده از این کیفر در رابطه با حقوق کیفری اطفال دارای حساسیت بیشتری است، زیرا رویکرد اصلاحی - درمانی بر

حقوق کیفری اطفال حاکم بوده و به همین منظور باید کیفرهایی برای بزه‌کاران پیش‌بینی گردد که ضمن کیفرکردن آن‌ها، زمینه‌های اصلاح و درمان آنان را بیش از پیش فراهم کند» (۳).

۱- عوامل مؤثر در اجرایی کردن خدمات عام‌المنفعه

یکی از عوامل مؤثر در این خصوص قانونگذاری مناسب می‌باشد، بدین شکل که دو شیوه وجود دارد: ۱- «یک شیوه راهکارهای بسیار مشخصی در مورد آنکه دقیقاً کدام روش‌های جایگزین و چه زمانی قابل اعمال هستند، می‌باشد»؛ ۲- «شیوه دیگر تنها آن دسته از شرایطی را تعریف می‌کنند که برای اجرای این کیفرها کاملاً ضروری می‌باشد. این شیوه معمولاً در کشورهایی اجرا می‌شوند که تابع اصل موقعیت هستند. به طور مثال این‌که چه موقع و در چه شرایطی کیفرهای جایگزین اجرا می‌شوند و همچنین این کیفرها را به طور غیر جامع بر می‌شمارد، متأسفانه در ایران قضاتی که چنین احکامی را بدون نص صریح قانون اعمال نمایند، با واکنش مقامات مواجه می‌گردند، در حالی که شیوه دوم دارای کارکرد بازپروری مؤثرتری می‌باشد» (۴).

«دومین عامل مؤثر برای اجرایی کردن خدمات عام‌المنفعه تشکیل پرونده شخصیت بزه‌کاران است. تشکیل پرونده شخصیت، مجریان نهادهای عدالت کیفری را به سوی گزینش مناسب‌ترین و عادلانه روش‌ها هدایت می‌نماید، بدین‌سان تشکیل پرونده شخصیت بزه‌کاران را در مرحله بعد پاسخ کیفری هدایت می‌کند و در مراحل مختلف فرایند کیفری، نقش مؤثری در تشخیص مشکلات بزه‌کاران و گزینش درست کیفرهای جایگزین را ایفا می‌کند. به منظور تشکیل پرونده شخصیت، وجود مراکز خدمات اجتماعی چون مراکز مشاوره روانشناختی، مراکز ترک اعتیاد، مراکز مشاوره ازدواج، مراکز مراقبت پس از خروج و... برای تهیه گزارش‌های تحقیقات اجتماعی با ماهیت مناسب، ضروری است» (۴).

سومین عامل مؤثر برای اجرایی نمودن خدمات عام‌المنفعه این است که برخلاف این اصل کلی که کیفر را قاضی پس از محاکمه و شنیدن اظهارات طرفین و پایان رسیدگی صادر می‌کند، در مورد رضایت خدمات عام‌المنفعه پیش از صدور

حکم طبق ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم باید جلب گردد و در صورت عدم رضایت وی از صدور حکم به انجام خدمات عمومی پرهیز شود که در این قسمت نیز مصداق بارز منشور حقوق شهروندی است که در ماده ۱۳ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ پیش‌بینی شده است، تحول حقوق جزای معاصر که وجه بارز آن رضایت در انجام خدمات عام‌المنفعه می‌باشد، زیرا کار اجباری نوعی بیگاری محسوب می‌گردد (۵).

دوره مراقبت و حفظ کرامت انسانی و حقوقی شهروندی

در این دوره جهت بازاجتماعی کردن مجرمین با مساعدت از مددکاران اجتماعی دوره‌ای برای گذراندن بزه‌کار در میان شهروندان فراهم می‌گردد و هدف از این نوع مراقبت بازاجتماعی کردن بزه‌کار می‌باشد.

۱- کارکرد اصلاح و درمان و ضوابط تعیین دوره مراقبت

«دوره مراقبت کیفرهای جایگزین با هدف کاهش تکرار جرم پا به عرصه ضمانت اجراهای کیفری گذاردند، اما نه با روش انفعالی، بلکه با تأثیرگذاری بر بزه‌کار جهت بازسازی اجتماعی او، به طور مثال در دوره مراقبت، حمایت از بزه‌کار در بستر اجتماع، حکایت از آن دارد که جامعه و شهروندان وی را طرد ننموده است و همچنان او را عنصر مطلوبی می‌داند. دادگاه با صدور حکم مراقبتی، مانع ورود بزه‌کار به محیط جرم‌زای زندان می‌گردد و با این کار عملاً بزه‌کار را از فراگیری رفتارهای مجرمانه در شرایط نامساعد زندان دور می‌کند و این امر نه تنها در تهذیب اخلاق و تربیت روحی و روانی بزه‌کار می‌تواند مؤثر باشد، بلکه زمینه تکرار جرم را نیز به حداقل می‌رساند. از جمله اشخاصی که دارای نقش کلیدی در فرایند بازپروری بزه‌کاران می‌باشند، مددکاران اجتماعی هستند. تعامل میان مددکاران و بزه‌کاران، نقش مؤثری در اصلاح و درمان مجرمان ایفا می‌کند» (۶).

۱-۱- ضوابط تعیین دوره مراقبت: برای این‌که قاضی

بتواند به تحمیل دوره مراقبت به عنوان یکی از کیفرهای جایگزین حبس بپردازد، باید به ضوابطی جهت تعیین این کیفر توجه نماید. ضابطه مدت اجرا در ایران طبق بندهای

مقایسه تدابیر بازپروری و اصلاح در نهاد کیفرهای جایگزین حبس در ایران و انگلیس

پدید آمدن این اشکال نوین در نظام‌های حقوقی مختلف که در بالا مورد مطالعه قرار گرفت، نشانگر آن است که حبس به عنوان یک کیفر، اگرچه در بادی امر، مفید و مناسب به نظر می‌رسد، اما چندان مطلوب نبوده است و یا حداقل این که پیامدهای منفی آن غیر قابل انکار است. «در یک تقسیم‌بندی می‌توان جایگزین‌های حبس را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- یک دسته کیفرهای جایگزین حبس؛ ۲- دیگری تدابیر اجتماعی جایگزین حبس. در دسته اول بیشتر بعد کیفری و سزادهی مد نظر است، مثل کیفر محرومیت از حقوق اجتماعی و جریمه روزانه، اما در دسته دوم لزوماً سزادهی مطرح نیست و می‌توان برای آن‌ها جنبه اصلاحی نیز متصور شد.»

۱- تدابیر جایگزین حبس

در این قسمت سعی شده است که تدابیر لازم در راستای جایگزین‌نمودن حبس مورد بررسی قرار گیرد که به دو مورد خدمات عمومی رایگان و دوره مراقبت را مورد مطالعه قرار خواهیم داد که در ذیل به تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۱- خدمات عمومی رایگان (خدمات عام‌المنفعه):

«این کیفر نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبوده، بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت به زندان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام‌المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرم به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند، اگرچه این خدمات در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس مشاهده می‌شوند، اما دارای وجوه تشابه و تمایز در این زمینه‌اند» که به طور مجزا به بیان هر یک می‌پردازیم. وجوه تشابه عبارتند از: اولاً در حقوق ایران در تبصره یک ماده ۸۴ و حقوق انگلستان نگرانی مبنی بر عدم تداخل کار عام‌المنفعه به عنوان کیفر با شغل اصلی محکوم علیه را ابراز داشته و قضات را موظف به تمهید تدبیری جهت عدم تداخل و تزامن آن دو با یکدیگر را نموده است، ولی به

ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای جرائم با کیفرهای مختلف، تفاوت دارد و جز بند «الف» در سایر بندها حداقل و حداکثر این مدت آورده شده است و در بند «الف» صرفاً به ذکر حداکثر پرداخته شده است و تعیین مدت اجرا بدین شکل یکی از نکات مثبت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به لایحه پیش از آن می‌باشد، چراکه در ماده ۱۴ لایحه برای تمامی جرائم بدون ذکر حداقل، مدت اجرا حداکثر سه سال بوده است.

۱-۱-۱- ضابطه سنی: «در حقوق ایران ضابطه سنی طبق قواعد عمومی و با استناد به قانون مدنی که معیارهای مربوط به رشد و بلوغ را ارائه کرده و با توجه به این که اطفال از مسئولیت کیفری برخوردار نیستند، این کیفر قابلیت اعمال به افراد بالای ۱۵ سال را دارند. این کیفر جایگزین مناسبی برای افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال است، زیرا در این سنین اولاً هنوز الگوی مجرمانه در این گونه بزه‌کاران تثبیت نشده؛ ثانیاً در سنین مذکور اثرپذیری از محیط اطراف و فراگیری آموزه‌ها و هنجارهای مناسب اجتماعی بسیار راحت‌تر و مؤثرتر از سنین بالای ۲۰ سال است» (۷).

۱-۱-۲- ضابطه نوع جرم: در نظام حقوقی ایران محدودیتی در این زمینه وجود دارد و نمی‌توان از آن استفاده کرد، مثلاً برای جرائمی چون کلاهبرداری، آدم‌ربایی و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و همچنین با توجه به بندهای ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان فهمید که این کیفر تنها می‌تواند جایگزین تعدادی از جرائم دارای کیفر حبس با میزان مشخص باشد.

۱-۱-۳- مراکز درمانی: هرچند زندان یکی از نهادها و مؤسسات اجتماعی و شرایط زندان بازتاب مسائل اجتماعی هر جامعه است، با این حال محیط زندان شرایط و ویژگی‌هایی دارد که در دیگر مؤسسات اجتماعی شبیه آن مانند مراکز درمانی و مراکز شبانه‌روزی دیده نمی‌شود. سازگاری، مقابله و کنارآمدن با این شرایط، ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعمال کیفرهای جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است (۸).

سایر موارد نظیر عدم ایجاد مزاحمت کار عام‌المنفعه برای تحصیلات اشاره نشده و تنها به همان تبصره بسنده شده است؛ ثانیاً در حقوق انگلیس نمونه‌های خدمات عام‌المنفعه ذکر شده و شامل کمک به پروژه‌های حفاظت از محیط زیست یا پروژه‌های عمرانی، ساختن زمین‌های بازی برای فروش و جمع‌آوری پول جهت امور خیریه و... می‌باشد و در نظام حقوقی ایران نیز طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ انواع خدمات عام‌المنفعه را نام می‌برد؛ رابعاً همانند حقوق انگلیس که در برخی مواقع و به علت بروز موانعی امکان توقف یا اصلاح کیفر خدمات عام‌المنفعه وجود دارد و طبق تبصره ۴ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همین موضوع پیش‌بینی شده است، در کنار موارد مشابه، وجوه تمایز هم به چشم می‌خورد که عبارتند از: ۱- جلب رضایت محکوم، به نحوی که در حقوق انگلیس طبق ماده ۳۸ قانون جرم مصوب ۱۹۹۷ این شرط لغو گردیده، در حالی که طبق ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی ضروری است؛ ۲- طبق بندهای «الف» تا «ب» ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حداکثر ساعات انجام خدمات عمومی به ترتیب تا دویست و هفتاد، تا پانصد و چهل، تا هزار و هشتاد و تا دو هزار و صد و شصت ساعت می‌باشد، در حالی که این شدت در کشور انگلیس حداکثر ۲۴۰ تا ۳۰۰ ساعت است و قطعاً تجربه این‌گونه کشورها سختگیری بیش از حد در مورد انجام این نوع کیفر را رد می‌کند، لذا این سختگیری در نظام حقوقی ایران منطقی و مناسب به نظر نمی‌آید. متأسفانه در مورد انتخاب محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای احکام باشد، مد نظر است. به نظر می‌رسد همانند حقوق انگلیس مهم‌ترین عامل در تعیین تعداد ساعات، تناسب آن با جدیت و خطر جرم باشد؛ ۳- همانطور که در وجوه تشابه گفته شد، همانند حقوق انگلیس طبق ماده ۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجرم الزام به انجام تکالیفی دارد، اما نکته‌ای که تفاوت دارد، این است که اگر «در نظام حقوقی انگلیس امتناع از انجام این الزامات به عنوان قصور از مطابقت با شرایط تلقی می‌گردد، اما به نظر نمی‌رسد که عدم رعایت

وظایف مذکور در ماده مذکور همانند حقوق انگلیس به عنوان قصور از انجام خدمات عمومی باشد یا از شرایط مقرر برای انجام کار تلقی شده و نهایتاً منجر به نقض قرار و یا افزودن به مدت قرار طبق ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شود.» بنابراین به نظر می‌رسد جهت اجرای موفق کیفر خدمات عمومی باید ضمانت اجرای مشخصی برای تخلف از انجام دستورات ماده ۷۸ پیش‌بینی شود؛ ۴- در کشور انگلیس مدت زمان اجرای خدمات عمومی حداکثر ۱۲ ماه است، اما این مدت به صورت دقیق در قانون ایران مشخص نشده است و در ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صرفاً عبارت «در مدت معین» ذکر گردیده و طبق ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی تعیین این مدت در اختیار دادگاه صادرکننده رأی می‌باشد. بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان به این شکل نتیجه گرفت که برداشته‌شدن ضابطه رضایت محکوم جهت صدور چنین رأیی در نظام حقوقی انگلیس اقدامی مثبت می‌باشد، اگرچه رویه‌ای که در نظام حقوقی ایران می‌باشد، انطباق بیشتری با رویکردهای حقوق بشری دارد، اما در هر حال باید پذیرفت که کیفرهای جایگزین نیز نوعی کیفر هستند. همچنین کیفر خدمات عمومی یک نهاد تازه تأسیس در ایران می‌باشد و نباید رضایت محکوم را از جمله عناصر تحمیل آن‌ها دانست، زیرا ممکن است هیچ‌گاه به مرحله اجرایی نرسد (۹). به نظر برخی از حقوقدانان انگلیسی همان‌گونه که حبس را باید به عنوان آخرین راه در واکنش به جرم در نظر بگیریم، در وضعیتی مشابه و در صورت تصمیم به صدور کیفرهای جایگزین، باید کیفر خدمات عمومی را به عنوان آخرین جایگزین و یا هنگامی که عوامل مشدد در نحوه ارتکاب جرم نه چندان جدی و خطرناک دخالت داشته‌اند، مورد توجه قرار دهیم، اگرچه در این خصوص نظر مخالف هم وجود دارد و معتقدند در نظام کیفر غیر سالب آزادی است قضایی انگلستان خدمات عام‌المنفعه در مقایسه با نهاد تعلیق، چه از لحاظ قانونی و چه از لحاظ عملی، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و جایگزین مناسبی برای کیفر زندان محسوب می‌شود.

در آلمان کسانی که از پرداخت جزای نقدی امتناع می‌کنند، از سوی دادگاه به انجام کار عام‌المنفعه محکوم می‌شوند (۲۴۰ ساعت کار مجانی برای جامعه). همچنین نظام عدالت کیفری فرانسه، دارای مقررات پیشرفته‌ای در زمینه جایگزین‌های مجازات زندان و از جمله کار عام‌المنفعه است. کار عام‌المنفعه در فرانسه، برای نخستین‌بار به موجب یکی از قوانین مصوب مجلس و به اتفاق آرای تمام احزاب سیاسی، در دهم ژوئن ۱۹۸۳ معرفی شد. کشور فرانسه در استفاده از جایگزین‌های زندان، تجربه‌های موفقی داشته است. در این کشور، راهکارهای مختلفی به عنوان جایگزین‌های کیفر زندان پیش‌بینی شده است (۱۰).

خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه نهادی است که به موجب آن دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌کند که با انجام کاری که به نفع جامعه باشد، درصدد جبران خطای ارتكابی خود باشد، در واقع این امر از بازداشت و زندانی شخصی جلوگیری کرده، دارای بار مثبت مالی بوده، به نفع جامعه است و به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به عبارت بهتر این نهاد از گزینه‌های محکومیت است که با لحاظ میزان خطرناکی مجرم و هدف جبران خسارت از بزه‌دیده و ترمیم نظم مختل شده جامعه به وسیله او از طریق انجام خدمات عمومی مورد حکم قرار می‌گیرد. این امر چون برای مجرم محدودیت‌هایی را دربر دارد، باید با رضایت شخص صورت گیرد، بنابراین هدف از کارهای عام‌المنفعه فراهم کردن یک مجازات اجتماعی سودمند است که می‌توان باعث افزایش احتمال اصلاح مجرم کاهش خطر تکرار جرم، تنبیه مجرم از طریق کار جبران خسارت از طریق کاری که به نفع جامعه است منتفع کردن جامعه با انجام کارهایی که به شکل دیگری امکان‌پذیر نیست، کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و کاهش هزینه‌ها شود. امروزه این تدبیر از طریق دادگاه به مجرم پیشنهاد می‌شود تا با انجام کاری به نفع جامعه به جای رفتن به زندان، درصدد جبران خطای مرتکب شده برآید. هدف این نهاد را که به بازپذیری فرد کمک می‌کند از طریق اجرای منظم و هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار رایگان و تضمین جهت جبران خسارت و ترمیم اجتماعی یا انجام کار به وسیله مجرم امکان‌پذیر می‌باشد (۹).

همچنین خدمات عمومی رایگان به طور کلی به ۶ گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- امور آموزشی، شامل سوادآموزی، آموزش‌های علمی، فرهنگی، دینی، هنری، ورزشی، فنی و حرفه‌ای و آموزش سبک زندگی و مهارت‌های اساسی آن؛ ۲- امور بهداشتی و درمانی، شامل اقدامات تشخیصی درمانی، توان‌بخشی، مامایی، بهیاری و پرستاری، نگهداری سالمندان و معلولان و کودکان، مشاوره و روان‌درمانی، بهداشت محیط و درمان اعتیاد؛ ۳- امور فنی و حرفه‌ای، شامل خدمت در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و صنایع وابسته به نهادهای پذیرنده و بخش‌های فنی آن‌ها؛ ۴- امور خدماتی، شامل نگهداری و سرایداری نهادهای پذیرنده، نظافت اماکن عمومی، حفاظت و نگهداری از فضاهای سبز و بوستان‌های شهری و باغبانی در اماکن مزبور، تعمیر و تنظیف وسایل نقلیه عمومی و دولتی و اماکن ورزشی و پارکبانی؛ ۵- امور کارگری، شامل کارگری در بخش‌های ساختمانی، راه‌سازی، معادن، شیلات، مراعات، سدسازی و دیگر طرح‌های عمرانی متعلق به نهادهای پذیرنده؛ ۶- امور کشاورزی، دامداری، جنگل‌داری و مرتع‌داری شامل درخت‌کاری، باغبانی، برداشت محصول، مرغداری، پرورش آبزیان و انجام کار در نهادهای پذیرنده و مؤسسات کشت و صنعت وابسته به آن‌ها.

در این قسمت به مدت زمان خدمات عمومی رایگان پرداخته شده است: در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر ۳ ماه حبس است، تا ۲۷۰ ساعت می‌باشد و در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، ۲۷۰ تا ۵۴۰ ساعت؛ در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها از بیش از ۶ ماه تا ۱ سال است، ۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت و نیز در جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از ۱ سال و ۲ تا ۴ سال می‌باشد (۱۱).

در ایران نیز اقداماتی از سوی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه راجع به مجازات خدمات عمومی صورت گرفته است و شرح و شرایط مربوط به این مجازات در موارد ۱۹ الی ۲۴ قانون «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان بیان شده است، هرچند چنین پیشنهادی از نظر کیفری جایگزین

حبس است، اما کیفری قراردادی است که به رضایت محکوم علیه بستگی دارد. این رضایت تا اندازه‌ای موفقیت در اجرای حکم را تضمین می‌کند. به یک مفهوم محکوم علیه متحمل کیفر نمی‌شود، بلکه با رضایت آن را می‌پذیرد. بر پایه قرارداد محکوم علیه آگاهانه متعهد به انجام کاری مفید می‌شود و از انسانی منفعل به انسانی فعال تبدیل می‌شود، در حقیقت نه تنها فاقد خطرات و معایب زندان است، بلکه باعث ارتقای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می‌شود. انجام خدمات عمومی از سوی محکوم، مترادف با بیگاری و کار اجباری نبود، بلکه در جهت بازپروری و اصلاح محکوم علیه از رهگذر جلوگیری از آثار منفی محکومیت زندان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازپروری، اشتغال به کارهای عام‌المنفعه و نیز جبران خسارت‌هایی است که مجرمان به واسطه ارتکاب جرم به اجتماع وارد کرده‌اند.

در اجرا اگر وضع جسمانی محکوم علیه اجازه ندهد و به پزشک نیاز داشته باشد و یا به دلایل خانوادگی از ادامه کار باز ماند، قاضی اجرای احکام می‌تواند به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، انجام خدمات عمومی را تعلیق کند یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد (تبصره ۴ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی). در مجموع در سطح بین‌المللی ثابت شده است که کار عام‌المنفعه به عنوان شیوه‌ای کارآمد و مقرون به صرفه نسبت به مجرمان می‌تواند سودمند و مؤثر باشد (۹).

همچنین خدمات عام‌المنفعه دارای نقاط ضعفی می‌باشد. به عنوان نمونه ساعاتی که برای این نوع خدمات در نظر گرفته می‌شود، معمولاً خیلی زیاد است، اگرچه افراد ممکن است این نوع کار را قبول کنند، اما چون در برابر این خدمات حقوقی دریافت نمی‌کنند، امکان فرار از کار وجود دارد. در این صورت طبق قانون دادگاه باید دوباره ساعاتی را برای مجرم در نظر گیرد. همچنین افشاشدن راز شخصی هم یکی دیگر از نقاط ضعف محسوب می‌شود که اطرافیان از این متوجه می‌شوند که این فرد مجرم و دوره حبس خود را می‌گذراند. رایگان بودن این خدمات به بیگاری شبیه است که این خود یک نوع عقبگرد به دوران گذشته و بدوی به شمار می‌آید و نیز افراد

ممکن است در محیط‌های که به کار گماشته می‌شوند، بر محیط اطراف خود تأثیر بگذارند و صدمات روحی برای اطرافیان داشته باشند، به جای این‌که این نقش برعکس شود و محیط بر آن‌ها تأثیر بگذارد، این افراد دیگران را هم مورد صدمات روحی قرار دهند (۱۲).

۱-۱-۱- دوره مراقبت: یکی دیگر از کیفرهایی که در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس به عنوان جایگزین حبس مورد توجه است دوره مراقبت یا قرار بازپروری اجتماعی است که اگرچه هر دو نظام به ضوابطی مشخص توجه نموده‌اند، اما از جهت همین ضوابط با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، از جمله وجوه تشابه این کیفر در هر دو نظام اولاً توجه به ضابطه تناسب می‌باشد، اگرچه معیار تناسب در هر یک از دو نظام متفاوت است؛ ثانیاً در هر دو نظام به دستورات الحاقی توجه شده است، بدین صورت که طبق قوانین انگلیس شروط یا دستورات به این کیفر و الزام مجرم به برآوردن آن‌ها پیش‌بینی شده است و در ایران نیز طبق ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در دوره مراقبت به انجام یک یا چند مورد از دستورات ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم نماید، اما در اینجا نکته ظریفی وجود دارد و آن این‌که دوره مراقبت در انگلیس می‌تواند همراه با دستوراتی باشد، در حالی که در ایران، این دستورات شاکله این دوره را تشکیل می‌دهد. در هر دو نظام در خصوص کیفر دوره مراقبت تفاوت‌هایی نیز به چشم می‌خورد که عبارتند از اولاً در خصوص مدت اجرای این دوره در انگلیس باید بیان نمود که این مدت، برای تمامی جرائم حداقل شش ماه و حداکثر سه سال خواهد بود، در حالی که این مدت در قوانین ایران برای جرائم مختلف، متفاوت است و طبق بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی شاهد مدت‌های مختلفی هستیم، ماده ۴۲ قانون سال ۲۰۰۰؛ ثانیاً در خصوص سن مجرمین در هر دو نظام تفاوت وجود دارد، بدین ترتیب که طبق قانون سال ۲۰۰۰، جهت صدور رأی مبنی بر کیفر دوره مراقبت، مجرم باید ۱۶ سال یا بیشتر داشته باشد، اما در حقوق ایران و طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از نظر سنی ضابطه خاصی وجود ندارد؛ ثالثاً در حقوق انگلستان

به نظر می‌رسد که با توجه به معیار تناسب این کیفر برای جرائم جزئی مناسب نیست، اما به طور کلی محدودیتی وجود ندارد و الزاماً نباید جرم قابل کیفر با حبس باشد، در حالی که در حقوق ایران محدودیت وجود دارد و با توجه به این که در بندهای ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مشخص گردیده که کیفر دوره مراقبت فقط می‌تواند جایگزین جرائم با کیفر دارای حبس به میزان خاص و معین، شود، لذا از مفهوم مخالف آن می‌توان خروج موضوعی برخی جرائم دیگر را استنباط نمود؛ رابعاً در زمان الحاق شرایط فهرست ۲ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری به دوره مراقبت در حقوق انگلیس، محاکم باید به گزارش مقدماتی مجرم توجه شود و مورد مطالعه قرار گیرد، در حالی که در ایران همچنین موردی نداریم و توجه به پرونده شخصیت پیش‌بینی نشده، اگرچه در ماده ۲۸۶ قانون به تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوان اشاره کرده، اما آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در قانون مجازات اسلامی مشخص نشده که قاضی با توجه به چه معیاری باید یکی از دستورهای ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی را بدهد. جهت آگاهی متهم عواقب نقض قرار به زبان ساده، به وی هشدار داده می‌شود (۱۳)؛ خامساً در انگلیس، اما چنین الزامی برای محاکم مانند ایران وجود ندارد. النهایه با توجه به مطالب معنونه می‌توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی ایران از جهت این که مدتی ثابت برای دوره مراقبت پیش‌بینی نکرده و جرائم مختلفی که می‌توانند این کیفر را داشته باشند، مدت‌های متفاوتی نیز برای آن‌ها در ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است که نقطه مثبت این جایگزین می‌باشد، اما عدم توجه به پرونده شخصیت به عنوان یکی از ضوابط صدور و تحمیل این کیفر، همانند آنچه که در نظام حقوقی انگلیس وجود دارد (۱۴). این نوع تدبیر معمولاً برای مجرمینی در نظر گرفته می‌شود که به دلیل نیازهای روانی و یا جسمی خاصی که دارند. در دام ارتکاب جرم می‌افتند، مانند مجرمان جنسی سابقه‌دار و مجرمان دارای اختلال روانی برای این مجرمان دستورات خاصی جهت برآوردن این نیازها یا پرهیز از برخی شرایط تحریک آمیز در نظر گرفته می‌شود، از جمله این دستورات

می‌توان به مراجعه مداوم جهت مشاوره از روان‌پزشک اشاره کرد (۱۵).

۲-۱- کیفرهای جایگزین حبس: منظور از کیفرهای

جایگزین حبس مجموعه از واکنش‌های کیفری و جنایی است که می‌توانند جایگزین خوبی برای کیفر حبس باشند. در برخی تعابیر کیفرهای اجتماعی و جایگزین حبس به نحو مترادف، به جای یکدیگر به کار می‌روند، زیرا کیفرهای اجتماعی صرفاً شامل واکنش محدودکننده، آزادی می‌شود، اما جایگزین حبس شامل کیفرهای است که مستلزم نظارت و محدودیت آزادی نیست (۱۶).

۲- جزای نقدی

ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «به نهادی به نام جزای نقدی روزانه اشاره کرده است که پیش از این نیز در لایحه کیفرهای اجتماعی هم به چشم می‌خورد. تفاوتی که در هر دو نظام وجود دارد این است که به نظر می‌رسد جزای نقدی روزانه که در حقوق ایران تعریف شده، با جزای نقدی روزانه که در انگلستان مطرح است، متفاوت باشد، چراکه در ایران، اصولاً در برخی جرائم خاص (مانند کلاهبرداری) که امکان پیش‌بینی زیان وارده به مجنی‌علیه یا سود حاصله توسط مجرم از پیش وجود ندارد یا در مواردی که قانونگذار قصد دارد، جریمه‌ای بیش از سود حاصل از جرم، بر مرتکب تحمیل کند، با توجه به معیارهای مقرر (مثلاً دو برابر مال کسب‌شده از طریق اخلال در نظام اقتصادی)، تعیین میزان جزای نقدی را به عهده قاضی گذاشته تا وی با توجه به معیارهایی که به تناسب جرم معین شده، میزان آن را تعیین کند، ولی در انگلیس، چنین معیاری تعیین نشده، بلکه به شدت جرم ارتكابی و اوضاع و احوال مالی مجرم توجه می‌شود و در تعیین میزان جزای نقدی استطاعت مالی مرتکب، نقشی مؤثر و تعیین‌کننده دارد» (۱۴). در هر دو نظام این نهاد دارای معایب و محاسنی می‌باشد: اولاً در نظام حقوقی ایران مشکلی که ماده ۸۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با آن رو به رو است، این است که مبنای محاسبه جزای نقدی روزانه از یک‌هشتم تا یک‌چهارم درآمد روزانه محکوم که از یکصد و هشتاد روز در کیفرهای کم‌تر از سه ماه موضوع بند «الف» ماده ۸۳ قانون

کیفر شروع می‌شود و تا چهارصد و چهل روز در جرائم بند «ت» ماده ۸۳ ادامه می‌یابد. تبصره ماده ۸۵ نیز محکوم را موظف کرده است تا در پایان هر ماه، ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید. پرداخت جزای نقدی به هر دلیلی که به ناگاه میزان درآمد فرد تغییر کند و کاهش یا افزایش یابد؛ ثانیاً مسأله تورم نیز نباید فراموش شود. با توجه به نرخ بالای تورم در کشور ما اگر قرار باشد تا فرد مدتی، مبلغ مشخصی را بپردازد و هزینه‌های زندگی نیز در کنار آن افزایش یابد باز نیز فشار بیشتری به فرد وارد می‌شود و شرایط برایش بسیار دشوارتر خواهد شد. بنابراین بهتر است تا امکان تجدید نظر در میزان جزای نقدی روزانه حاصل شود تا کیفر عادلانه‌تر و اثربخش‌تر باشد؛ ثانیاً موجب می‌شود تا افرادی که جرائم یکسانی مرتکب شده‌اند، ولی از نظر امکانات مالی وضعیت یکسانی ندارند، جرمه‌های متفاوتی را متحمل شوند (۱۷).

۳- اقامت اجباری و منع رفت و آمد در محل معین

از وجوه تشابه این بند در هر دو نظام اولاً این است که محدودیت در رفت و آمد به عنوان شکلی از اجبار به اقامت در محل خاص، در سیستم حقوق کیفری انگلستان همانند ایران، مشاهده می‌شود. در نظام حقوقی ایران در بند «الف» و «ب» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اقامت اجباری در محل معین و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین به عنوان کیفر تکمیلی اشاره شده است و در نظام حقوقی انگلیس در مواد ۲۰۴ و ۲۰۶ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ به این مورد اشاره شده است؛ ثانیاً در حقوق هر دو کشور، اگرچه این موارد به عنوان کیفر تعیین شده‌اند، اما به صورت کیفر مستقل جایگزین حبس نیستند و می‌توانند به عنوان شرایط و دستورات به سایر کیفرهای جایگزین حبس الحاق شوند که البته این موضوع صراحتاً در ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی قید گردیده است؛ ثالثاً از جمله شباهت‌ها و البته ایرادات هر دو نظام این است که در صورت نقض این کیفر از سوی مجرم، کیفر حبس باز می‌گردد. وزارت کشور انگلستان در زمینه هشدار به محکومانی که شرایط مربوط به محدودیت رفت و آمد خود را نقض می‌کنند، از یکسری

اختیارات قانونی برخوردار است. همچنین در قانون جرائم و بی‌نظمی‌ها مصوب ۱۹۹۸ اختیارات جدیدی پیش‌بینی شده است که به وزارت کشور اجازه تذکر به محکومانی را می‌دهد که با ارتکاب تخلف‌های جدید، شرایط حکم را نقض می‌کنند که در نهایت در صورت تکرار کیفر حبس به فرد تحمیل می‌گردد. در این میان علاوه بر تشابهاتی که وجود دارد، شاهد تفاوت‌هایی از این کیفرها در هر دو نظام نیز هستیم که عبارتند از: اولاً در حقوق انگلیس در خصوص اقامت اجباری در یک محل معین مشخص خوابگاه‌های ویژه‌ای بدین منظور تعبیه شده است (۱۸)، اما در حقوق ایران به نحو کاملاً متفاوتی است و برخلاف حقوق انگلیس به مکان‌هایی که فرد باید در آنجا به اقامت بپردازد اشاره نشده است؛ ثانیاً نکته‌ای که در حقوق ایران به آن توجه نشده این است که فرد در آن مکانی که مجبور به اقامت می‌شود، یا در چه مکانی باید بماند اشاره نشده است، در حالی که در حقوق انگلیس اماکنی به عنوان خوابگاه پیش‌بینی شده‌اند؛ ثالثاً در خصوص مدت اجرای این کیفرها در هر دو نظام تفاوت وجود دارد و طبق ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی این مدت در ایران نباید بیش از دو سال شود، اما در انگلیس این کیفرها برای حداکثر شش ماه صادر می‌گردند (۱۹)؛ رابعاً در خصوص نحوه اجرای این کیفر می‌توان به این موارد اشاره کرد که در ایران فرد باید روزانه خود را به کلانتری محلی که مجبور به اقامت است، معرفی نماید و دفتر حضور و غیاب را امضا نماید، در حالی که در انگلیس فرد تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد و گسترش استفاده از آن در سال‌های اخیر موجب افزایش اطمینان به کارایی آن گردیده است. با توجه به بررسی هر دو نظام و نکات قانونی جالب، در تعیین این مقرر در انگلیس از جمله نظارت الکترونیکی در نحوه اجرای این کیفر و خصوصاً این‌که در انگلیس قاضی باید پیش از تعیین کیفر اقامت اجباری به بررسی همسایگان و مجاوران محل اقامتگاه در نظر گرفته شده برای مجرم، می‌توان به این نتیجه رسید که در این مورد سیستم حقوقی انگلیس بهتر اقدام نموده و الزام قاضی به بررسی مجاورین مجرم نکته ایست که ممکن است به منظور

اجتناب از آثار سوئی که اطرافیان بزه‌کار در زندان برای وی دارند، پیش‌بینی شده باشد (۲۰).

نتیجه‌گیری

کیفر حبس بارها و از ابعاد مختلف مورد انتقاد قرار گرفته است و صاحب‌نظران به دنبال ارائه راهکارهایی برای جایگزین حبس بوده‌اند تا کیفری را اعمال کنند که علاوه بر عبرت آموزی واقعی، بتواند فرد بزه‌کار را اصلاح و او را برای بازگشت به زندگی صحیح و سالم راهنمایی کند. از سوی دیگر حقوق شهروندی به عنوان پایه و اساس تضمین کرامت انسانی راه دیگری در برابر ما گشوده است. حقوقی که انسان را به دلیل فطرت و ذات با کرامتش، صاحب حق و نیز مختار و کمال‌جو فرض می‌کند. در واقع هر جا که شهروندی وجود دارد، حقوق نیز وجود دارد و حقوق شهروندی نیز نمایان می‌گردد. در جایی که دولت‌ها وضع مقرراتی را برای جریان منظم و هماهنگ زندگی اجتماعی مفید تشخیص می‌دهند، این مقررات درباره کسانی که آن‌ها را نقض می‌کنند ضروری است، در حقوق ایران و انگلیس به لحاظ مشکلات و معایب ناشی از نظام زندان‌ها، استفاده از کیفر حبس در مورد اغلب مجرمین و همچنین جرائم کم‌اهمیت و کثیرالوقوع نه تنها نفعی برای فرد در جامعه ندارد، بلکه به افزایش جمعیت کیفری زندان و تکرار کنندگان جرم نیز منجر می‌گردد. به همین جهت کیفر حبس تاکنون با تردیدهای فزاینده‌ای رو به رو شده است. بدین ترتیب و به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم سیاست حبس‌زدایی و یافتن ضمانت اجراهایی که بتواند نقش جایگزینی را برای این کیفر در نظام کیفری ایفا نماید، در اولویت قرار گرفت که در نهایت به تصویب قواعد حداقل ملل متحد راجع به تدابیر غیر سالب آزادی منجر شد. «امروزه در میان کیفرها «حبس» بیش از همه رواج دارد و به عنوان روشی برای اصلاح و بازسازی مجرم به کار می‌رود، ولی مطالعات جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که «حبس» برای از بین بردن ریشه‌های جرم فایده‌بخش نبوده و نیست، زندان هرچند تا مدتی جامعه را از خطر وجود مجرمان و تبهکاران مصون نگه می‌دارد، ولی پس از آزادی از زندان تازه مشکلات زندانی و جامعه شروع می‌شود» و جامعه‌شناسان

معتقدند که زندان در اعاده حیثیت و بازگرداندن مجرم به جامعه توفیق نداشته است، این خصوصیت مشترک همه کیفر است که در اثر اجرای آن‌ها نوعی محدودیت اعم از مالی، جانی، روانی، گفتاری یا رفتاری برای حق مالکیت یا حیات یا آزادی و یا حیثیت یا کرامت انسان که نمونه‌های بارز حقوق انسانی و شهروندی می‌باشند، ایجاد شود، کیفر حبس امروزه دیگر کارآیی ندارد و اثرات زیان‌بار آن بیشتر از فواید اجرای آن است. به همین دلیل جایگزین‌هایی مناسب برای کیفر حبس پیش‌بینی شده‌اند تا این‌که این جایگزین‌ها بتوانند اثرات زیان‌بار کیفر حبس را از بین برده یا این‌که از آن اثرات بکاهند. بخشی از این دلایل به نفس کیفر حبس و شیوه اجرای آن برمی‌گردد. در حل این معضل، شیوه‌های نوین حبس از جمله دوره مراقبت و مراکز درمانی ایجاد گردیده‌اند. با مطالعه‌ای که در حقوق انگلیس گردید، اگرچه نمی‌توان تمام راهکارهای نظام حقوقی انگلیس را در کشور خود به کار بریم، با این حال توجه به آن‌ها کمک شایانی به ما خواهد کرد و یاری‌رسان ما در تدوین قوانین لازم خواهد بود. از آنجایی که ایرادات بسیاری بر زندان‌ها وارد شده است، بهره بردن از روش‌هایی که به جای آن مورد استفاده قرار گیرند، می‌تواند شایسته‌تر باشد. حقوقدانان کشور انگلیس با توجه به این‌که زودتر از کشور ایران به وضع قوانین کیفرهای جایگزین حبس دست یافته‌اند، در رابطه با میزان اثربخشی هر یک از کیفرها نسبت به حقوقدانان ایرانی از اطلاعات و تجربیات بیشتری برخوردار هستند. موانعی مثل نبود زیرساخت‌ها در زمینه اجرای کیفر جانشین حبس و عدم بهره‌گیری قضات از مجازات جایگزین حبس، از جمله موانع مجازات جایگزین حبس می‌باشند که با مطالعاتی که صورت پذیرفت، این فرضیه اثبات گردید رویکرد حقوقی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اجرای مجازات‌های جایگزین حبس به سمت حمایت از استفاده از مجازات جایگزین و عدول از حبس تغییر یافته است که صراحتاً این مورد را در قوانین و دستورالعمل‌های حبس‌زدا از سوی روسای سابق و لاحق دستگاه قضا می‌توان مشاهده نمود و این فرضیه نیز به اثبات می‌رسد.

در پایان فرضیه نهایی در خصوص ضمانت اجرای عدم اجرای مجازات جایگزین حبس بود که در این صورت مجازات حبس در خصوص وی اجرا می‌شود. بنابراین تمام فرضیاتی که ما در این تحقیق با آن‌ها رو به رو بودیم، اثبات گردیدند.

References

1. Zeraat A. General Criminal Law 3: Punishments and security measures based on the Islamic Penal Code adopted in 2013. 1st ed. Tehran: Jangal Publications, Javadaneh; 2018. Vol.2 p.333. [Persian]
2. Noorbaha R. Adjusting the severity of punishment, (mitigation of punishment). *Journal of Legal Research* 2004; 4(33-34): 117-126. [Persian]
3. Khajeh Nouri Y. The Role of Community-Based Punishments in Preventing Recurrence of Crime in Children, Collection of Articles of the Working Group on Prevention of Recurrence of Crime and Victim with Emphasis on the Role of Police. Tehran: NAJA Preventive Police Applied Research Office; 2009. 10(3): 131-148. [Persian]
4. Asadi A. Towards New Critical Alternatives to Imprisonment. 1st ed. Tehran: Kouhsar Publications; 2007. p.65. [Persian]
5. Ghasemi H. Principles of Evaluating the Effectiveness of Community-Based Punishments. *Legal Journal of Justice* 2008; 5(64): 131-167. [Persian]
6. Farmanfarmayian S, Kiani Fard F. Pioneers of Social Work in Iran. 1st ed. Tehran: History of Iran; 2008. p.320. [Persian]
7. Goldozian I. Essentials of Public Criminal Law. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing; 2012. p.75. [Persian]
8. Goodarzi MR, Meqdadi L. New Criminal Science or Social Punishments. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 2016. p.25. [Persian]
9. Ashouri M. Criminal Justice (2), (collection of articles). 1st ed. Tehran: Dadgostar Publishing; 2015. p.72. [Persian]
10. Khaksar D, Moazenzadegan HA. Legislative and Judicial Pathology of Alternative Punishments to Imprisonment, Conference on Law and Social Sciences at the Beginning of the Third Millennium. Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Cultural Studies and Research; 2016. Vol.3 p.1-20. [Persian]
11. Khaleghi A. Criminal Procedure. 41th ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2020. Vol.2 p.127. [Persian]
12. Tavajouhi A. Pathology of the Islamic Penal Code 1392. Tehran: Press and Publications Center of the Judiciary Research Institute; 2017. p.72. [Persian]
13. Cavadino A. Penal system. London: Sage; 2017. p.48.
14. Criminal Justic, United Nations, Economic and Social Council, Resolution 1997/36. 36th plenary meeting. 1997. p.66.
15. Shams Natri ME. Islamic Penal Code, in Current Law. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2018. Ch.1 p.139-140. [Persian]
16. Riahi J. Fundamentals of Social Punishment with an Approach to Criminal Policy. Ph.D. Thesis. Tehran: Qom Campus, University of Tehran; 2018. p.42. [Persian]
17. Tonry M. The hand book of Crime and Punishment. New York: Oxford; 2013. p.25.
18. Stem V. Developing Alternatives in Central and Eestern Europe and Central Asia. Tehran: Majd Publication; 2004. p.85.
19. Raijian Asli M. Lessons from the experience of England and America in the field of prison replacements. *Kanoon Monthly* 2002; 45(34): 202-218. [Persian]
20. Home office. Quoted from: Ashworth. Tehran: Behnami Publication; 2005. p.3-4.